

## بسمه تعالی

### حقیقت تاریخی و تجربه انباشت سرمایه اجتماعی در فرهنگ و مدیریت جهادی\*

محمدجواد ایروانی\*\*

1387/3/19

- ماده 98 قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور:
- دولت مکلف است به منظور حفظ و ارتقای سرمایه اجتماعی، ارتقای رضایتمندی عمومی نسبت به تهیه سازوکارهای سنجش و ارزیابی سرمایه اجتماعی کشور اقدام نماید.
  - ارائه گزارش سالانه سرمایه اجتماعی کشور و احصای علل و عوامل تأثیرگذار بر آن.
  - تصویب سازوکارهای اجرایی لازم جهت افزایش سرمایه اجتماعی اعم از اعتماد عمومی، وفاق اجتماعی، قانون‌گرایی و وجدان فردی و اجتماعی.
  - ارزیابی رضایتمندی عمومی به صورت سالانه و انتشار تغییرات آن در اثر عملکرد عمومی حاکمیت.
  - تدوین و تصویب طرح جامع توانمندسازی و حمایت از حقوق زنان، در ابعاد حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و اجرای آن در مراجع ذی‌ربط.
  - تدوین طرح جامع مشارکت و نظارت مردم، سازمان‌ها، نهادهای غیردولتی و شوراهای اسلامی در توسعه پایدار کشور و فراهم کردن امکان گسترش کمی و کیفی نهادهای مدنی با اعمال سیاست‌های تشویقی.
- ضمناً در سیاست‌های کلی برنامه پنجم تقویت و ارتقاء سرمایه اجتماعی جزء پیشنهادات مطرح است.
- درباره سرمایه اجتماعی اختلاف نظر زیادی وجود دارد.
- خاستگاه این مفهوم در جامعه‌شناسی است.

---

\* مأخذ تعریف طرح پژوه بررسی و سنجش سرمایه اجتماعی در ایران - ص 229.

\*\* استاد دانشگاه و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام

ولی به دلیل پیوندی که این مفهوم بین علم اقتصاد و جامعه‌شناسی برقرار می‌کند مورد علاقه روزافزون اندیشمندان قرار گرفته است.

### تعریف سرمایه اجتماعی

شبکه‌ای از روابط و پیوندهای مبتنی بر اعتماد اجتماعی بین فردی و گروهی و تعاملات افراد با نهادها، سازمان‌ها و گروه‌های اجتماعی است که به همبستگی و انسجام اجتماعی و برخورداری افراد و گروه‌ها از حمایت اجتماعی و انرژی لازم برای تسهیل کنش‌ها در جهت تحقق اهداف فردی و جمعی منجر می‌شود.

### برخی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی از دیدگاه اندیشمندان

اعتماد، اعتماد به نهادها، اعتماد به دولت، اعتماد به یکدیگر، مسئولیت‌پذیری، رضایت‌مندی، حسن تفاهم، رفاقت و دوستی، احساس همدردی، روابط اجتماعی در بین افراد و خانواده‌ها، حفظ مسئولیت، حفظ نظافت، کاهش جرم، بهبود کیفیت زندگی. بین توسعه اجتماعی و سرمایه اجتماعی نیز ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. برخی از صاحب‌نظران از شاخص‌های توسعه اجتماعی زیر استفاده کرده‌اند:

- پارسونز (1977) اجتماعی محلی
- کلمن (1994) سرمایه اجتماعی
- الکساندر (1990) جامعه مدنی
- مورن (1982) هویت انسانی
- بورک (1999) اعتماد، تعهد و عزت نفس
- بوردیو (1977) کنش اجتماعی
- دارندورف (1979 و 1991) انسان اجتماعی
- هابرماس (1979 و 1991) عرضه عمومی ارتباط اجتماعی و عقلانیت ارتباطی
- جنکینز (1996) هویت اجتماعی
- آرچر (2001) انسان بودن

در باره توسعه اجتماعی در ایران بیشتر از شاخص‌هایی نظیر هویت و اعتماد اجتماعی استفاده شده علی‌رغم ارتباط تنگاتنگ در سنجش سرمایه اجتماعی و تعیین سهم آن در رشد و توسعه کمترین پیشرفت حاصل شده است.

برای تحقق اهداف ماده 98 قانون چهارم

طرح مشترک پژوهشی بنام «بررسی و سنجش سرمایه اجتماعی در ایران» با همکاری دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی اجرا شده که در تاریخ پاییز سال 1386 نتایج آن استخراج شده (ولی هنوز منتشر نشده است).

براساس اجماع نظر بین جمع بسیاری از صاحب‌نظران علوم اجتماعی درباره شاخص‌های بحث‌برانگیز و متعدد سرمایه اجتماعی در 5 بخش (در مرحله اول) مورد بررسی قرار گرفته است:

1- روابط انجمنی

2- هنجارها و اعتماد اجتماعی

3- پیوندها و اعتماد بین فردی

4- همبستگی و انسجام اجتماعی

5- حمایت اجتماعی

در مرحله دوم 21 مؤلفه و شاخص انتخاب شده است (که در صفحه بعد می‌آید). در مرحله سوم برای هر کدام از شاخص‌ها معرفی یا معرف‌های انتخاب شده و در مرحله چهارم در قالب پرسشنامه‌ای تنظیم و براساس روش علمی انتخاب نمونه بین 12000 نفر در 30 مرکز استان تکمیل شده‌اند افراد نمونه بالاتر از 15 سال سن داشته‌اند. نتایجی که از سنجش شاخص‌ها به دست آمده جالب توجه است.

ابزار یا مقیاس پنج بعدی سنجش سرمایه اجتماعی در ایران

عوامل					مؤلفه‌ها و شاخص‌ها	ردیف
5	4	3	2	1		
					روابط انجمنی - شبکه روابط با گروه‌ها و نهادها	1
				0/885	همکاری با نهادهای مدنی	1_1
				0/824	عضویت در نهادهای مدنی	2_1
				0/777	حضور در برنامه‌های نهادهای مدنی	3_1
				0/690	کمک فکری به نهادهای مدنی	4_1
				0/669	کمک مالی به نهادهای مدنی	5_1
				0/591	قبول مسئولیت اجرایی در نهادهای مدنی	6_1
					هنجارها و اعتماد اجتماعی - اعتماد به نهادها، گروه‌های اجتماعی، مسئولان و اطمینان از رعایت اصول و قواعد عمل جمعی (ارزش‌های اخلاقی و اخلاق شهروندی)	2
				0/777	اعتماد به نهادها	1_2
				0/721	اعتماد به گروه‌های اجتماعی	2_2
				0/677	ارزیابی از وضعیت جامعه	3_2
				0/661	اعتماد به مسئولان	4_2
				0/649	اطمینان از رعایت اخلاق شهروندی	5_2
					اطمینان از رعایت ارزش‌های اخلاقی در جامعه	6_2
					پیوندها و اعتماد بین فردی	3
				0/741	احساس دوستی و تعلق و یکی بودن با دیگران	1_3
				0/720	اعتماد به دیگران - اشخاص	2_3
				0/672	همکاری و مشارکت داوطلبانه در رفع مشکل دیگران	3_3
				0/585	شرکت در فعالیت‌های جمعی دیگران	4_3
				0/528	رفت و آمد با دیگران	5_3
					همبستگی و انسجام اجتماعی	4
				0/832	میزان پذیرش اجتماعی	1_4
				0/814	میزان انسجام بین قومی	2_4
				0/631	میزان‌مداری قومی و مذهبی	3_4
					حمایت اجتماعی	5
				0/837	احساس برخورداری از حمایت جمعی	1_5

در اینجا به برخی از این سنجه‌ها که به بحث ما مربوط می‌شود اشاره می‌کنیم:  
بالاترین درصد همکاری در بین نهادهای مدنی (مذهبی، خیریه، شوراها، انجمن اولیاء و مربیان، گروه‌های سیاسی، قومی، علمی، صنفی و ورزشی).  
اختصاص به گروه‌های مذهبی، خیریه، بسیج.

کمترین حد همکاری مربوط به گروه‌های سیاسی شوراها و گروه‌های قومی است.

درصد عضویت بالاترین درصد عضویت در بین نهادهای فوق‌الذکر به گروه‌های مذهبی، بسیج ورزشی و خیریه اختصاص دارد.

بالاترین درصد حضور در برنامه‌های نهادهای مدنی به گروه‌های مذهبی، بسیج مذهبی و انجمن اولیاء و مربیان دارد.

بالاترین درصد اعتماد به ترتیب به سپاه پاسداران (73/9 درصد)، بسیج (72/7 درصد)، نیروی انتظامی (72/6 درصد)، دولت (71 درصد) و سازمان‌های غیروابسته دولت (66/2 درصد).

در میان گروه‌های اجتماعی موجود در جامعه، معلمان، پزشکان، پرستاران، اساتید دانشگاه و زائران و نمازگزاران در مساجد و اماکن مقدس دارای بالاترین میزان اعتماد در میان افراد جامعه و کمترین اعتماد مربوط به بنگاه‌داران، تجار و بازاریان و فعالان سیاسی اختصاص داشته است.

در میان نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی بیشترین میزان اعتماد به بانک‌ها، ارتش، مؤسسات خیریه، بیمارستان‌ها و مراکز درمانی و کمترین اعتماد هم نسبت به احزاب سیاسی، شوراها و مطبوعات وجود داشته است.

(نکته: سازمان‌های قانونمند چون ارتش، بیمارستان و بانک جلب اعتماد داشته‌اند. نهادهای

خیریه به دلیل دین‌مداری و ارزش‌مداری و نیت خیر جلب اعتماد داشته‌اند.)

در مجموع افراد دین‌دارتر از سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردار هستند.

جالب توجه :

طرح در سه سطح کلان - میانی - خرد توصیه‌هایی نموده است.

در سطح کلان:

بهبود محیط اجتماعی و کاهش نابرابری‌های میان مناطق و استان‌های مختلف کشور با محرومیت‌زدایی محیطی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی.  
سامان‌یابی فضایی و اتخاذ الگوی سرمایه‌گذاری مناطق متناسب با نیازهای جامعه و مبتنی بر شیوه‌های مشارکتی.  
که (انصافاً سیاق فعالیت جهادسازندگی بوده است).

در سطح میانی:

تقویت حوزه عمومی از طریق ایجاد، توسعه و گسترش نهادهای مدنی.  
تقویت و ترویج ارزش‌های عام از طریق نهادهای رسمی و غیررسمی.

**نکته:** فاین تذهبون پس ما چرا عقب‌گرد داشته و نهادهای جوشیده از متن انقلاب را تبدیل به دستگاه‌های سنتی کرده‌ایم و در تقویت ارزش‌های عام حاکم بر جامعه کوتاهی شده است!

در سطح خرد:

توجه به نیازها، خواسته‌ها و انتظارات گروه‌های مختلف اجتماعی.

**نکته:** کدام دستگاه منعطف، مأموریت‌گرا و نتیجه‌گراتر از جهادسازندگی دنبال تأمین نیازهای اقشار مختلف روستایی و عشایری و تولیدی بود؟

افزون بر خاستگاه سرمایه اجتماعی به منظور ارتقاء کم و کیف سرمایه اجتماعی در ایران نکات ذیل قابل تأمل است.

- ایجاد و تقویت نهادهای مدنی نظیر انجمن‌ها، شوراها به منظور ارتقاء روابط انجمنی.

- ایجاد و تقویت هنجارها به ویژه اعتماد به دولت و نهادهای دولتی از طریق اطلاع‌رسانی، شفاف‌سازی و تقویت ارتباط با مردم.

### نکته:

در تحقیقاتی چون کار صبوری کاشانی (1354) قبل از انقلاب، رسمی‌سازی انجمن‌های داوطلبانه در اثر نوع رابطه ساختی که نهادهای دولتی و حکومتی به وجود می‌آوردند نشان داد، که باعث ناکارآمد شدن این انجمن‌ها در اداره امور، ایفای نقش و توسعه محل می‌شوند. در بعد از انقلاب در چند بررسی انجام شده این نتیجه عادی شده که اولاً عمده نهادهای مدنی قوام خود را از نهادهایی چون تشکیل جهاد گرفته‌اند و ثانیاً به دلیل ضریب اعتماد بالا دوام آنها نیز به این شکل که با دولت نیز گره داشته‌اند، بوده است. به گونه‌ای که کارشناسان نهادینه کردن هر فعالیت سرمایه اجتماعی و اقتصادی افراد را منوط به اتکای به نهادهای مردمی و پرجوشش چون جهادسازندگی می‌دانند.

### بحث و نتیجه‌گیری:

تاکنون در تحقیقاتی که درباره جهادسازندگی، فرهنگ جهادی و مدیریت جهادی به ویژه با نگرش دانش نهادگرایی انجام شده همه بر برجستگی بسیار از ویژگی‌ها در مقایسه با سامانه‌های سنتی تأکید کرده‌اند.

راه امام خمینی(ره): تأسیس نهادهای انقلاب اسلامی برای به دوش گرفتن وظایف سنگین در نظام جدید به دلیل ناکارآمدی دستگاه‌های سنتی بوده است.

راهی که ما طی کرده‌ایم: کم‌کم نهادهای انقلاب اسلامی به ویژه جهادسازندگی را برچیدیم قبل از آن بارها آن را محدود کرده و کتف‌هایش را بستیم.

نتایج این تحقیق همراه با تحقیق مشابه: اهمیت سرمایه اجتماعی چون اعتماد، مشارکت، حمایت اجتماعی، ارزش‌مداری و... به عنوان استوانه‌های جامعه، پس از 2/5 دهه از تأسیس نهادهای انقلاب اسلامی عقب‌گرد به راه امام خمینی(ره) برای تقویت بنیه اجتماعی با تولید و بازسازی و مهندسی مجدد سرمایه اجتماعی به عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر کاری که با

تکلیف ماده 98 برنامه چهارم به صورت رسمی احساس شده بود و نتیجه‌ای که حقیقتی بر گونه اسطوره‌بافی‌های افسانه‌ای صاحبان نظریه‌های تکنوکراتی غربی است که با فشارهای خود بالاخره زهر خود را در دستاوردهای بزرگ انقلاب اسلامی ریختند و تضعیف نهادها و کارکردهای نهادی را رقم زدند. لیکن نهادگرایی هم‌اکنون در ادبیات مدیریت و سایر حوزه‌ها سربرآورده و کارکرد روشن خود را نشان داده و تبدیل به یک تجربه عملی روشن می‌گردد.

**نکته:** این تحقیق در جامعه شهری انجام شده بود.

مسئله این تحقیق اگر در جامعه روستایی پیاده می‌شد و در سئوالات پرسشنامه نهادهایی چون جهادسازندگی مطرح می‌شد نتایج ارزنده‌تری خلق می‌شد. متأسفانه ما در طول 2/5 دهه کمتر به کارهای مانند کار پرفسور فرامرز رفیع‌پور برای نظریه‌پردازی در حوزه جامعه‌شناسی (اسلامی) پرداخته‌ایم که اگر این کار صورت می‌گرفت (به‌ویژه با کمی‌سازی و شاخص‌سازی) دست ما پرتر بود. اما نتایج همین کار تحقیقی تأییدی در جایگاه اعتمادسازی، مشارکت و توسعه سرمایه اجتماعی نهادهایی چون جهادسازندگی است.

تجربیات جهادسازندگی چون معطوف به مؤلفه‌هایی نظیر ولایت‌پذیری، ارزش‌مداری، انعطاف و نوآوری و از همه مهمتر نهفتگی در طبیعت مردم و مشارکت و احیای هویت اجتماعی روستاییان و نقش‌آفرینی به جامعه تولیدی همراه با نهادسازی‌های محلی و تولیدی و بارورسازی اعتماد پس از انقلاب نقش ویژه‌ای داشته است و بنظر می‌رسد مطالعات تکمیلی نشان دهنده ضرورت بازگشت به نهادسازی‌ها و آموزه دینی و انقلابی و ارزشهای مشترک جمعی و تقویت هویت اجتماعی مبتنی بر اعتماد می‌باشد.

**با درود به روان پاک شهدای جهادسازندگی**

بهار 1387